

مقاله‌ی پژوهشی

پیش‌بینی عزت نفس دانشجویان دختر بر اساس ابعاد سبک‌های دلبستگی و هویت اخلاقی آنان

*شهرام واحدی

دانشیار روان‌شناسی، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

منیژه یاری‌سیس

دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

خلاصه

مقدمه: این پژوهش با هدف بررسی نوع رابطه‌ی ابعاد دلبستگی والدین و هویت اخلاقی با عزت نفس دانشجویان دختر انجام شد.

روش کار: جامعه‌ی آماری این پژوهش توصیفی-همبستگی شامل دانشجویان دختر دوره‌ی کارشناسی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۸۸ بودند. تعداد ۲۸۹ دانشجوی دختر از رشته‌های مختلف به طور تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و سه مقیاس عزت نفس روزنبرگ، پرسش‌نامه‌ی ابعاد دلبستگی والدین و مقیاس هویت اخلاقی را تکمیل نمودند. داده‌ها از طریق ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به روش گام به گام به کمک نرم‌افزار SPSS تحلیل گردیدند.

یافته‌ها: نتایج رگرسیون چندگانه به روش گام به گام، نشان‌دهنده‌ی سه مرحله‌ی معنی‌دار در پیش‌بینی عزت نفس بود. نتایج مرحله‌ی سوم حاکی از آن است که ۱۳ درصد تغییرات مربوط به عزت نفس دانشجویان دختر توسط مجموع متغیرهای ابعاد دلبستگی والدین (اعتماد و بیگانگی) و مولفه‌ی درون-سازی هویت اخلاقی پیش‌بینی می‌شود ($F=12/12, P<0/05, R^2=0/12$).

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج، اعتماد به والدین، بیشترین میزان تبیین و قدرت پیش‌بینی‌کنندگی عزت نفس دانشجویان دختر را به خود اختصاص می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: دلبستگی، عزت نفس، والدین، هویت

*مؤلف مسئول:

دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه

تبریز، تبریز، ایران

vahedi117@yahoo.com

تاریخ وصول: ۹۳/۰۱/۲۰

تاریخ تایید: ۹۴/۰۷/۰۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت:

این مقاله با تایید کمیته‌ی پژوهشی دانشگاه تبریز و بدون حمایت مالی نهاد خاصی انجام شده است و نتایج آن با منافع نویسندگان ارتباطی ندارد. از همکاری دانشجویان شرکت‌کننده تشکر و قدردانی می‌گردد.

مقدمه

رشد عزت نفس سالم، یک شاخص مهم سازگاری روان‌شناختی است. داشتن عزت نفس با بسیاری از متغیرهای شناختی، هیجانی و رفتاری ارتباط دارد و افراد دارای عزت نفس بالا در مقایسه با افراد دارای عزت نفس پایین، کمتر مضطرب و افسرده شده و دچار سوء مصرف مواد می‌شوند، از مهارت‌های اجتماعی بیشتری برخوردارند و به احتمال زیاد، سبک دلبستگی از نوع ایمن دارند (۱).

اریکسون^۱، خانواده را به عنوان عامل مهم اجتماعی شدن در رشد افراد می‌داند. اولین تعامل با افراد مهم، دلبستگی و اولین برخورد با هنجارهای جامعه و فرهنگ بزرگ‌تر را ارتباط با والدین شکل می‌دهد (۲). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سبک دلبستگی با عزت نفس، رابطه‌ی معنی‌داری دارد که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود. دسی و ریان^۲ (۳) اشاره نمودند که در زمینه‌ی جامعه‌پذیری، سبک والدینی بر عزت نفس تاثیرگذار است. برای مثال، افرادی که مورد حمایت و محبت قرار گیرند می‌توانند مستقلانه رفتار کنند و عزت نفس نامشروط و یکپارچه پرورش دهند. افرادی که بعد از تامین انتظارات والدین‌شان مورد محبت قرار گیرند، عزت نفس بسیار مشروط را پرورش می‌دهند و به دلیل دریافت تمجید برای عملکرد خوب‌شان، یاد می‌گیرند که از موفقیت خود احساس خوبی داشته باشند و نه از شکست. بنابراین سبک والدینی در رشد عزت نفس فرزندان نقش مهمی دارد.

کا-ان و نیکولاس^۳ (۴) رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی را با عزت نفس دانش‌آموزان مورد مطالعه قرار دادند. ۲۵۵ دانش‌آموز و معلم چینی به پرسش‌نامه‌ی سبک دلبستگی و مقیاس‌های عزت نفس پاسخ دادند. نتایج نشان داد که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، عزت نفس بالاتری نسبت به افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن دارند (۵). نتایج تحقیقات هاستینگر و لوکن^۴ (۶) معلوم ساخت که دانشجویان دلبسته‌ی ایمن نسبت به افراد دلبسته‌ی ناایمن، دارای عزت نفس بالاتر و رفتارهای سلامت‌بهتری هستند.

نتایج پژوهش مویدر و همکاران (۵) حاکی از آن است که سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی مضطرب/دوسوگرا می‌توانند واریانس متغیر عزت نفس اجتماعی را به صورت معنی‌دار تبیین کنند، یعنی افزایش سبک دلبستگی ایمن باعث افزایش عزت نفس اجتماعی می‌شود و افزایش سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی مضطرب/دوسوگرا باعث کاهش عزت نفس

اجتماعی می‌شود.

حجازی و نگهبان سلامی (۷) در پژوهش خود اشاره نمودند که دلبستگی ایمن به والدین، قدرت پیش‌بین سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و تعهد هویت را دارد و دلبستگی ایمن به همسالان با سبک هویت هنجاری، رابطه دارد. به همین ترتیب، در تحقیقات گذشته یافت شده است که نوجوانان در وضعیت سردرگم، تعارض بالایی خانوادگی و امنیت دلبستگی پایینی را نسبت به والدین گزارش می‌کنند (۲).

علاوه بر عزت نفس، شکل‌گیری هویت کاملاً یکپارچه نیز یکی از شاخص‌های کارکرد روان‌شناختی بهینه است (۸). اریکسون (۹) معتقد بود که رشد خودارزیابی واقعی با حس خودمختاری در اوایل کودکی رابطه دارد. حل موفقیت‌آمیز تکلیف ایگو، خودمختاری در برابر شرم و تردید به این معنی است که کودک درمی‌یابد که او یک شخص مستقل از دیگران با آرزو و تمایلات ویژه برای انجام دادن می‌باشند. حس شک و تردید نسبت به توانایی برای انجام دادن امور می‌تواند به خودارزیابی‌های منفی نوجوان و به نوبه‌ی خود کاهش تمایل وی در کاوش هویت منجر شود. از سوی دیگر، عزت نفس مثبت به حفظ پیوستگی با وجود انتقالات رشدی و نوسانات زندگی کمک می‌کند (۱۰).

طبق نظر اریکسون (۹) عامل مهم در شکل‌گیری هویت، شجاعت و استقلال فرد در انتخاب و هدایت آینده‌ی خود است. پژوهش‌ها از این فرضیه‌ها حمایت می‌کنند. برای مثال، مارسیا^۵ (۱۱) اظهار داشت که افراد در وضعیت‌های هویت موفق، سطوح بالایی از عزت نفس را نسبت به افراد دارای هویت زودرس و سردرگم گزارش می‌کنند. به طور مشابه، جوانان دارای هویت موفق و وضعیت وقفه، در معرض تغییر کمتر عزت نفس در شرایط تنش‌زا قرار می‌گیرند. علاوه بر این، پژوهش‌های تحولی نشان می‌دهند که افرادی که در سراسر نوجوانی‌شان عزت نفس بالایی داشتند، نمرات بالاتری در مدرسه کسب نمودند، کمترین حساسیت در برابر فشار همسالان داشتند و کمتر گرفتار سوء مصرف مواد شدند (۱۲). سرانجام، عزت نفس مثبت ممکن است در فرایند شکل‌گیری هویت، سهم مهمی داشته باشد.

افراد با عزت نفس بالا، در برابر مسایل بالقوه چالش‌زا، انعطاف نشان داده و به احتمال زیاد درگیر کاوش هویتی می‌شوند. به طور مشابه، زمینه‌ی اجتماعی می‌تواند بر رضایت فرد در کشف و وارد کردن جنبه‌هایی از فرهنگ و محیط‌های کار/مدرسه، دوستان، خانواده و جامعه تاثیر گذاشته و حس خودمختاری و استقلال از خانواده‌ی اصلی را ارتقا بخشد. نوجوانانی که منزلت خاصی به کشف کردن می‌دهند، به داشتن حس تعلق به خانواده، دوستان و اجتماع ادامه داده و به احتمال زیاد، درگیر

¹Erickson

²Deci and Ryan

³Ka-on and Nicholas

⁴Hustinger and Luechen

⁵Marcia

تداعی‌های صفات اخلاقی سازمان‌دهی شده و برای جنبه‌های خصوصی و عمومی هویت شخص، مهم است. این شیوه‌ی تعریف هویت اخلاقی دو مفروضه را می‌سازد: ابتدا رابطه‌ی بین هویت اخلاقی شخص و رفتار وی، حداقل از طریق نیاز به حفظ یک خودانگاره‌ی مربوط به این طرح‌واره‌ی خود اخلاقی^۵ هدایت می‌شود. دوم این که هویت اخلاقی شخص در ارتباط با سایر اهداف اخلاقی و الگوهای رفتاری در شبکه‌ی اجتماعی، قابل تصور است. قدرت این تداعی با خود به عنوان خودبینی هویت اخلاقی مربوط می‌شود. چنان که اگر هویت اخلاقی شخص برای درک فرد از خودش، اهمیت زیادی (پایین) قایل باشد، در آن صورت آمادگی یادآوری طرح‌واره‌ی وابسته به خود در زمینه‌ها و موقعیت‌های مختلف، ممکن است بر قضاوت و رفتار اخلاقی بالا (پایین) تاثیر بگذارد. هویت اخلاقی یک منبع مهم انگیزش اخلاقی است که به تطابق بیشتر بین اصول اخلاقی شخص و اعمال اخلاقی منجر می‌شود. مطابق نظر اریکسون، هویت اخلاقی دارای دو جنبه‌ی متفاوت است و به طور معتبر، هویت تجربه شده را تعریف می‌کند که ریشه در هسته بودن آن قرار دارد و صداقت نسبت به اعمال خود را دربرمی‌گیرد (۱۸).

طبق دیدگاه اریکسون (۱۹)، عزت نفس و رشد هویت افراد به طور ناگشودنی به هم مرتبط هستند اما تحقیقات اندکی رابطه‌ی هویت اخلاقی با عزت نفس را بررسی نمودند. تحقیق حاضر با هدف بررسی ارتباط بین ابعاد دلبستگی و مولفه‌های هویت اخلاقی با عزت نفس دختران انجام شد.

روش کار

جامعه‌ی آماری این پژوهش توصیفی-همبستگی شامل دانشجویان دختر دوره‌ی کارشناسی ترم اول و دوم دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۱۳۸۸ بود. روش نمونه‌گیری، به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده است. با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه تاباکنیک^۶ و فیدل^۶ (۲۰) تعداد ۲۸۹ دانشجوی دختر در سه مرحله با بهره‌مندی از واحدهای نمونه-گیری مختلف شامل دانشگاه تبریز و دانشکده‌های مختلف شامل علوم انسانی، علوم پایه و فنی و مهندسی و انتخاب یک یا دو کلاس از هر دانشکده انتخاب شدند. پس از تشریح اهداف پژوهش و جلب مشارکت و همکاری آزمودنی‌ها، مقیاس عزت نفس و پرسش‌نامه‌های ابعاد دلبستگی والدین و همسالان و هویت اخلاقی توسط دانشجویان تکمیل شدند.

ابزار پژوهش

بررسی هویت می‌شوند. هم‌چنین عنوان شده که جنبه‌هایی از تعامل فرد و محیط، کشف هویت و خویش‌یابی را در فرایند شکل‌گیری هویت، ارتقا می‌بخشند (۲).

صدها مطالعات در طی سه دهه‌ی اخیر با استفاده از رویکرد وضعیت هویت انجام گرفته و مشخص شده است که این رویکرد، با بسیاری از ویژگی‌های زمینه‌ای، بین فردی و درون‌فردی ارتباط دارد. بر اساس مرور شواهد تجربی پیشین، افرادی که به عنوان افراد دارای هویت موفق طبقه‌بندی می‌شوند، در شرایط تنش‌زا خوب ایفای نقش کرده، سطوح بالاتری از رشد اخلاقی را استدلال می‌کنند. تا حدی در برابر دستکاری عزت نفس، مقاوم هستند و ظاهراً فرایند خودتنظیمی درونی شده دارند (۱۱،۱۳).

خانواده‌های این افراد با وجود دلبستگی/پیوستگی هیجانی، میزان بالای تمجید، بیان صریح اختلاف عقاید (فردیت)، سطوح متوسط به پایین تعارض والد-نوجوان و حداقل استفاده از کنترل رفتاری به‌عنوان شیوه‌ی فرزندپروری مشخص گردیده‌اند (۱۴). هویت افرادی که به عنوان وضعیت وقفه طبقه‌بندی شدند، مشابه جوانان موفق بودند اما آن‌ها اضطراب بیشتری داشته و در مقایسه با افراد دارای هویت زودرس، ارزش‌های استبدادی را به حداقل میزان می‌پذیرفتند (۱۵). به طور مشابه، خانواده‌های فرزندان دارای هویت وقفه از بیانگری^۱ و ترغیب خودمختاری برخوردار بوده اما از نظر انسجام خانواده، ضعیف بودند (۱۴،۱۶).

از سوی دیگر، افراد با هویت زودرس، از عقاید استبدادی، بیشتر حمایت کردند و در مقایسه با افراد دارای هویت موفق و وقفه، در سطوح پایین‌تر رشد اخلاقی ارزیابی شدند و فرایند تفکر بسیار انعطاف‌ناپذیر داشتند (۱۱). علاوه بر این، نظریه‌ی برندن^۲ بیان می‌کند که عزت نفس پایدار بالا از طریق روش‌هایی مانند مسئولیت‌پذیری برای اعمال خود، پذیرش حقیقت نسبت به خود و اصرار بر عمل مطابق با فضایل، تقویت می‌گردد. بنابراین حفظ عزت نفس با فضایل و هویت اخلاقی، رابطه‌ی مستقیم دارد (۱۷).

یکی دیگر از متغیرهای مهم شخصیتی موثر بر عزت‌نفس، هویت اخلاقی است. هویت اخلاقی، سازه‌ی تعهد به اصول اخلاقی را دربرمی‌گیرد. اگر چه هویت اخلاقی، سازه‌ای غنی و چندوجهی است، اما یک جنبه‌ی مهم آن ممکن است یک خود طرح‌واره‌ی شناختی^۳ باشد که پیرامون مجموع‌های از زبان مشترک^۴ (صادق بودن، مهربانی، عدالت)

⁵Moral Self Schema

⁶Tabachnick and Fidell

¹Expressiveness

²Branden

³Cognitive Self-Schema

⁴Common-Language

برآورد کرد. میزان پایایی ابزار ترجمه شده در این پژوهش توسط محقق بررسی شد. بعد از تأیید روایی صوری و محتوایی، پایایی پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های دلبستگی مادر، پدر و همسالان به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۳ و ۰/۸۶ به دست آمد.

ج- پرسش‌نامه‌ی هویت اخلاقی: متشکل از دو خرده‌مقیاس ۵ گویه‌ای است: درونی (درجه‌ای از صفات اخلاقی که برای خودپنداره‌ی شرکت‌کنندگان مهم است ($\alpha=0/84$)) و نمادپردازی (شرکت‌کنندگان تا چه میزان هویت اجتماعی مبتنی بر صفات اخلاقی را در ظاهر نشان می‌دهند ($\alpha=0/85$)). به پاسخ دهندگان لیستی از ۹ صفت منش اخلاقی (به عنوان مثال دلسوز، مهربان، صادق، عادل و غیره) ارائه و از آن‌ها درخواست شد که تصویر فرد دارای آن صفات را تجسم نمایند و به ۱۰ عبارت در یک طیف ۷ درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۲) پاسخ می‌دهند. شواهد قابل توجهی در حمایت از اعتبار سازه اندازه‌گیری هویت اخلاقی خود یافت شده است (۲۵).

نتایج

در این مطالعه، تعداد ۲۸۹ دانشجوی دختر دانشگاه تبریز از دانشکده‌های علوم انسانی، علوم پایه و فنی و مهندسی از نظر ارتباط بین ابعاد دلبستگی و مولفه‌های هویت اخلاقی با عزت نفس بررسی شدند. جدول ۱ میانگین کلی و انحراف معیار متغیرها را نشان می‌دهد. همبستگی متقابل بین متغیرهای مربوط نشان می‌دهند که از بین ابعاد دلبستگی به والدین، بعد اعتماد ($P<0/01$ و $r=0/24$) و بیگانگی ($P<0/01$ و $r=0/16$) و خرده‌مقیاس هویت اخلاقی-درونی‌سازی ($P<0/01$ و $r=0/22$) با متغیر عزت نفس همبستگی بالایی دارند. همین الگوی ارتباط معنی‌دار برای مولفه‌های هویت اخلاقی با بعد اعتماد به ترتیب ($P<0/05$ و $r=0/12$)، مولفه‌ی نمادسازی با بیگانگی ($P<0/05$ و $r=0/13$)، رابطه‌ی خرده-مقیاس‌های هویت اخلاقی با همدیگر ($P<0/01$ و $r=0/35$) یافت شد. علاوه بر این، بعد ارتباط در دلبستگی به والدین با هیچ کدام از متغیرها رابطه‌ی معنی‌داری نداشت ($P>0/05$).

الف- مقیاس عزت نفس روزنبرگ: این مقیاس ۱۰ گویه‌ای رایج‌ترین مقیاس اندازه‌گیری عزت نفس است و تحقیقات متنابهی اعتبار و پایایی آن را مورد حمایت قرار داده‌اند (۲۱). جاج^۱ و همکاران (۲۴) پایایی این مقیاس را با روش آلفای کرونباخ روی چهار نمونه ۰/۸۲، ۰/۸۰، ۰/۸۸ و ۰/۸۹ گزارش کردند. در تحقیق شیخ‌شبان‌ی و همکاران پایایی این مقیاس با دو روش آلفای کرونباخ و تصنیف به ترتیب ۰/۷۵ و ۰/۶۰ به دست آمد. جهت بررسی روایی این مقیاس، نمرات آن با نمره‌های مقیاس‌های خودکارآمدی و خشنودی شغلی همبسته شدند. نتایج نشان داد که همبستگی بین مقیاس عزت نفس با دو مقیاس خودکارآمدی و خشنودی شغلی به ترتیب ۰/۶۴ و ۰/۲۷ است که هر دو در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار هستند (۲۲).

ب- پرسش‌نامه‌ی ابعاد دلبستگی والدین و همسالان (IPPA): نسخه‌ی تغییریافته‌ی پرسش‌نامه‌ی دلبستگی والدین و همسالان، از ۲۵ آیتم تشکیل شده است که جنبه‌های عاطفی، شناختی و رفتاری دلبستگی آزمودنی‌ها را نسبت به والدین ارزیابی می‌کند. پرسش‌نامه‌ی مذکور برای بررسی ابعاد گوناگون دلبستگی شامل اعتماد متقابل، کیفیت ارتباط و بیگانگی^۳ طراحی شده است. خرده‌مقیاس اعتماد با ۱۰ آیتم احساس امنیت پاسخگویان در میزان پاسخ‌دهی والدین نسبت به نیازهای هیجانی آن‌ها، بعد ارتباطی با ۹ آیتم، کمیت و کیفیت ارتباط کلامی و خرده‌مقیاس بیگانگی با ۶ سؤال احساسات بیگانگی (بی‌توجهی) و انزوا را می‌سنجد. نمرات بالا در هر مقیاس، نشان‌دهنده‌ی دلبستگی ایمن‌تر است. اعتبار سازه و همگرایی این ابزار از طریق محاسبه‌ی همبستگی با ی مانند تعارض، حمایت و همبستگی خانواده، بهزیستی درونی، رضایت از زندگی، افسردگی/اضطراب، رویدادهای زندگی و ... تأیید شده است (۲۳). جانانان^۴ (۲۴) پایایی این پرسش‌نامه را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۶۸ تا ۰/۹۱ و پایایی آزمون و آزمون مجدد را در عرض سه هفته ۰/۹۳

¹Judge

²Inventory of Parent and Peer Attachment

³Alienation

⁴Jonathan

جدول ۱- شاخص‌های آمار توصیفی و ماتریس همبستگی بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک

متغیر	میانگین	انحراف معیار	عزت نفس	اعتماد	ارتباط	بیگانگی	درونی‌سازی	نمادسازی
عزت نفس	۴۱/۹۶	۸/۰۰۵	-					
اعتماد	۱۳/۳۲	۲/۶۳	۰/۲۴**	-				
ارتباط	۱۳/۸۵	۲/۸۳	۰/۰۴	۰/۴۳**	-			
بیگانگی	۱۰/۵۴	۲/۸۳	۰/۱۶**	۰/۰۴	-۰/۰۶	-		
درون‌سازی	۲۵/۱۶	۴/۰۰۴	۰/۲۲**	۰/۱۲*	۰/۱۰	-۰/۰۴	-	
نمادسازی	۱۸/۵۴	۴/۶۹	۰/۰۳	۰/۱۲*	۰/۰۰۹	۰/۱۳*	۰/۳۵**	-

** $P<0/01$ * $P<0/05$

این روش، متغیرهای پیش‌بین با توجه به شدت ارتباطشان با متغیر ملاک (از قوی‌ترین تا ضعیف‌ترین ارتباط) به ترتیب وارد معادله شده و متغیرهای پیش‌بین که سهم معنی‌داری در افزایش دقت پیش‌بینی متغیر ملاک نداشته‌اند، وارد معادله نشده‌اند. نتایج به‌دست آمده در جدول ۲ ارائه شده است.

به منظور تعیین سهم نسبی هر یک از متغیرهای پیش‌بین (سبک‌های دلبستگی و هویت اخلاقی) بر تغییرات مربوط به عزت نفس از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده گردید. در این روش، متغیرهای خرده‌مقیاس‌های هویت اخلاقی و سبک‌های دلبستگی به عنوان متغیرهای پیش‌بین و عزت نفس به عنوان متغیر ملاک مورد بررسی قرار گرفتند. در

جدول ۲- خلاصه تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام ابعاد والدینی، هویت اخلاقی و مذهبی برای پیش‌بینی عزت نفس دختران

متغیر	B	β	t	P	شاخص			
					R	R^2	ΔR^2	S.E
مدل ۱	۰/۴۷	۰/۲۲	۳/۷۱	۰/۰۰۱	۰/۲۲	۰/۰۵	۰/۰۴	۷/۷۹
اعتماد								
مدل ۲	۰/۴۴	۰/۲۰	۳/۵۳	۰/۰۰۱	۰/۳۰	۰/۰۸	۰/۰۷	۷/۶۹
درون‌سازی								
اعتماد	۰/۶۷	۰/۱۸	۳/۱۴	۰/۰۰۱				
مدل ۳	۰/۴۱	۰/۱۹	۳/۳۲	۰/۰۰۱	۰/۳۱	۰/۱۰	۰/۰۹	۷/۵۸
درون‌سازی								
اعتماد	۰/۶۵	۰/۱۸	۳/۱۲	۰/۰۰۷				
بیگانگی	-۰/۴۲	-۰/۱۳	-۲/۲۳	۰/۰۰۶				

اخلاقی پیش‌بینی می‌شود. به طور کلی، در میان تمام متغیرها، اعتماد به والدین، بیشترین میزان تبیین و پیش‌بینی‌کنندگی عزت نفس دانشجویان دختر را به خود اختصاص داده است.

بحث

پژوهش حاضر حاکی از آن است که بین بعد اعتماد دلبستگی و عزت نفس، رابطه مثبت و اما بین بعد بیگانگی و عزت نفس، رابطه منفی و معنی‌داری مشاهده گردید. افراد دلبسته‌ی ایمن، مدل‌های عملی درونی مثبتی از خود دارند، در حالی که مدل‌های عملی درونی افراد دلبسته‌ی ناپایمن مضطرب-دوسوگرا، از خود منفی است. بنابراین، داشتن الگو و تصویر انتزاعی مثبت از خود، این امکان را به افراد ایمن و اجتنابی می‌دهد که در مقایسه با افراد مضطرب-دوسوگرا عزت نفس بالاتری داشته باشند و ساختار خود افراد ایمن نسبت به افراد اجتنابی و مضطرب-دوسوگرا منسجم، پیچیده و متعادل است. عزت نفس افراد با سبک دلبستگی ایمن بیشتر با خود-دوستداری همبسته است. به این معنی که ارزیابی از خود افراد دلبسته‌ی ایمن بر توجه مثبت درونی شده از طرف دیگران مبتنی است (۲۶). آرمسدن و گرینبرگ^۱ (۲۳) اهمیت دلبستگی به والدین و ارتباط آن را با سلامت روان‌شناختی نوجوانان بررسی کردند و نشان دادند که رابطه‌ی معنی‌داری بین سلامت روان‌شناختی و کیفیت دلبستگی به والدین وجود دارد. نوجوانانی دلبسته به صورت ایمن، در

نتایج جدول ۲ نشان‌دهنده‌ی توانایی پیش‌بینی‌کنندگی بالای سبک‌های دلبستگی و هویت اخلاقی در عزت نفس دانشجویان دختر در بین تمامی متغیرهای مستقل می‌باشد. با توجه به داده‌های مرحله‌ی یک می‌توان اظهار داشت که ضریب همبستگی چندگانه ($R=0/24$) و ضریب تبیین ($R^2=0/06$) در سطح ($F=0/001$) از لحاظ آماری معنی‌دار است. به عبارت دیگر، اعتماد به عنوان یکی از ابعاد دلبستگی والدین به تنهایی ۶ درصد واریانس مشترک عزت نفس دانشجویان دختر را تبیین می‌کند. نتایج مرحله‌ی دوم، حاکی از سطح معنی‌داری ($F=0/001$) ضریب همبستگی چندگانه ($R=0/30$) و ضریب تبیین ($R^2=0/09$) است. به این معنی که مجموع متغیرهای اعتماد و درون‌سازی زیرمقیاس هویت اخلاقی دارای ۹ درصد واریانس مشترک با متغیر وابسته می‌باشند. نتایج به دست آمده در مرحله‌ی سوم این روش، نشانگر معنی‌داری ضریب همبستگی چندگانه ($R=0/34$) و مجذور ضریب همبستگی چندگانه ($R^2=0/11$) در سطح ($F=0/001$) می‌باشد. به بیانی دیگر، مجموع متغیرهای پیش‌بین در این مدل (اعتماد، درون‌سازی و میزان بیگانگی از والدین) توانستند ۱۱ درصد واریانس متغیر ملاک را تبیین کنند. در نهایت، نتایج حاصل از مدل چهارم این روش، افزودن یکی از خرده‌مقیاس‌های هویت مذهبی یعنی یکپارچگی باعث افزایش ۲ درصد به واریانس مربوط عزت نفس دانشجویان می‌شود. بنابراین ۱۳ درصد تغییرات عزت نفس دانشجویان دختر توسط مجموع متغیرهای دو بعد مهم دلبستگی به والدین و هویت

¹Armsden and Greenberg

کسب موفقیت و بازخوردهای مثبت از محیط نداشته و عزت نفس پایینی دارند (۲۸).

اگر چه پژوهش حاضر شواهدی در پیش‌بینی ابعاد دل‌بستگی والدین و هویت اخلاقی با عزت نفس دانشجویان دختر فراهم نمود، ولی محدودیت‌هایی نیز وجود داشت. یکی از این محدودیت‌ها، به تعمیم‌پذیری یافته‌ها مربوط می‌شود که نمونه‌ی حاضر را دانشجویان دختر دانشگاه تبریز تشکیل می‌دادند. در نتیجه نتایج به دست آمده نمی‌تواند به سایر جمعیت‌های قومی و فرهنگی تعمیم یابد. پیشنهاد می‌شود محققان، این روابط را در جمعیت‌های دیگر مورد بررسی قرار دهند.

با استفاده از یافته‌های این پژوهش به مسئولین دانشگاه‌ها پیشنهاد می‌شود روان‌شناسان و مشاوران می‌توانند در امر ارتقای بهداشت روانی دانشجویان، از طریق پاسخ به سئوالات آنان در مورد روش‌های ارتقای عزت نفس، کمک به تعیین اهداف مناسب و دست‌یافتنی برای ایجاد شوق و انگیزه‌ی فعالیت، آموزش رفتارهای مناسب اجتماعی و تقویت روحیه‌ی مذهبی با روش‌های مناسب، گام‌های مثبتی برداشت. علاوه بر این، روان‌شناسان مراکز مشاوره‌ی دانشگاه‌ها باید در زمان‌های مناسب آموزش‌های لازم را به اساتید ارائه کنند تا آن‌ها نیز از فرصت‌هایی که گاه در کلاس درس به وجود می‌آید، استفاده کنند و راهنمایی‌های لازم را برای دانشجویان داشته باشند. امید است یافته‌های این پژوهش بتواند در شناخت یکی از مشکلات دانشجویان دختر مفید واقع شود و به دنبال آن بتوان با اصلاح در شیوه‌های حل مشکلات در این گروه سنی با یک برنامه‌ریزی صحیح در جهت رفع مشکلات، قدم برداشت.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج، اعتماد به والدین، بیشترین میزان تبیین و قدرت پیش‌بینی‌کنندگی عزت نفس دانشجویان دختر را به خود اختصاص می‌دهد.

مقایسه با نوجوانانی که به‌طور ناامن دل‌بسته شدند، از عزت نفس بالاتری برخوردار بودند. به نظر می‌رسد صمیمیت و پذیرش والدین در احساس پذیرش و کفایت فرزندان سهم است و منجر به ادراک خود مثبت می‌شود (۲۷). رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی با عزت نفس دانش‌آموزان مورد مطالعه قرار گرفته است. در یک مطالعه، ۲۵۵ دانش‌آموز و معلم به پرسش‌نامه‌ی سبک دل‌بستگی و مقیاس‌های عزت‌نفس پاسخ دادند و نتایج نشان داد که افراد دارای سبک دل‌بستگی ایمن، عزت نفس بالاتری نسبت به افراد دارای سبک دل‌بستگی نایمن دارند (۵). نتایج تحقیقات هاستینگر و لوکن معلوم ساخت که دانشجویان دل‌بسته‌ی ایمن نسبت به افراد دل‌بسته‌ی نایمن، دارای عزت نفس بالاتر و رفتارهای سلامت‌بهتری هستند (۶).

از دیگر یافته‌های پژوهش آن بود که بین خرده‌مقیاس درون‌سازی هویت اخلاقی و عزت نفس، رابطه‌ی مثبت معنی‌داری وجود دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که رابطه‌ی بین عزت‌نفس و هنجارهای اخلاقی، یک تعامل مثبت و سازنده است. انسان عزت‌مند، هنجارهای اخلاقی را رعایت می‌کند و رعایت هنجارهای اخلاقی به تقویت و پایدار شدن عزت می‌انجامد.

نوجوانان با به‌کارگیری مهارت‌های عقلانی خود به این کشف نایل می‌شوند که بین آن چه فکر و احساس می‌کنند و نحوه‌ی رفتارشان، تفاوت وجود دارد. بر این اساس، آن‌ها می‌توانند احتمالات مختلفی را که برای تفکر و رفتار وجود دارد، در نظر گرفته و مستعد نارضایتی از خویش باشند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد چون نوجوانان دارای هویت اطلاعاتی، معمولاً موفقیت بیشتری کسب نموده و بازخوردهای اجتماعی مثبتی دریافت می‌کنند، دارای تصور مثبتی از خود بوده و عزت نفس بالاتری دارند. اما نوجوانان دارای هویت سردرگم/اجتنابی به واسطه‌ی بسته بودن نسبت به اطلاعات و تجربیات جدید، فرصتی برای

References

1. Passmore NL, Fogarty GJ, Bourke CJ, Baker E, Sandra F. Parental bonding and identity style as correlates of self-esteem among adult adoptees and non adoptees. *Fam Relat* 2005; 54(4): 523-34.
2. Forthun LF. An examination of identity formation during adolescence: A person-oriented approach. Ph.D. Dissertation. Faculty of Texas Technology University, 1999.
3. Deci EL, Ryan RM. Human autonomy: The basis for true self-esteem. In: Kernis MH. (editor). *Efficacy, agency, and self-esteem*. New York, NY: Plenum; 1995: 31-49.
4. Ka-on Man NH. The relationship between attachment and causal attributions in Chinese trainee teachers. *Pers Individ Diff* 1998; 24(3): 357.
5. Moayedfar H, Aghamohammadian H, Tabatabaei SM. [Relationship between attachment styles and social self-esteem. *Psychological studies* 2007; 3(1-2): 61-72. (Persian)
6. Hustinger T, Luechen GLJ. Attachment relationships and health behavior: Mediation role of self esteem. *Psychol Health* 2004; 19(4): 515-26.
7. Hijazi E, Negahban S. [Relationship between parent and peer attachment style and identity style in adolescents]. *Journal of psychology and educational sciences* 2009; 39(1): 107-31. (Persian)
8. Waterman AS. Identity as an aspect of optimal psychological functioning. In: Adams GR, Gullotta TP, Montemayor R. (editors). *Adolescent identity formation*. Newbury Park, CA: Sage; 1992: 50-72.

9. Erikson EH. Identity: Youth and crisis. New York: Norton; 1968.
10. Shirk SR, Renouf AG. The tasks of self-development in middle childhood and early adolescence. In: Lipka RP, Brinthaupt TM. (editors). Self-perspectives across the life span Albany, NY: State University of New York; 1992: 53-90.
11. Marcia JE. The empirical study of ego identity. In: Bosma HA, Graafsma TLG, Grotevant HD, De Levita DL. (editors). Identity and development: An interdisciplinary approach. Newbury Park, CA: Sage 1994; 67-80.
12. Zimmerman MA, Copeland LA, Shope JT, Dielman TE. A longitudinal study of self-esteem: Implications for adolescent development. *J Youth Adolesc* 1997; 26(2): 117-41.
13. Meeus W. Studies on identity development in adolescence: An overview of research and some new data. *J Youth Adolesc* 1996; 25(5): 569-98.
14. Papini DR. Family interventions. In: Archer SL. (editor). Interventions for adolescent identity development. Thousand Oaks, CA: Sage; 1994: 47-61.
15. Marcia JE. Identity in adolescence. In: Adelson J. (editor). Handbook of adolescent psychology. New York, NY: Wiley; 1980: 159-87.
16. Willemsen EW, Waterman KK. Ego identity status and family environment: A correlational study. *Psychol Report* 1991; 69: 3.
17. Branden N. [Self-esteem power]. Etami M. (translator). Tehran: Peyvand; 2003. (Persian)
18. Hardy SA, Bhattacharjee A, Aquino K, Reed A. Moral identity and psychological distance: The case of adolescent parental socialization. *J Adolesc* 2010; 33: 111-23.
19. Erikson EH. Identity and the life cycle. New York: Norton; 1980.
20. Tabachnick BG, Fidell LS. Using multivariate statistics. 4th ed. Boston: Allyn and Bacon; 2001.
21. Judge TA, Erez A, Bono JE, Thoresen CJ. The core self-evaluations scale: Development of a measure. *Pers Psychol* 2003; 56: 303-31.
22. Seykhshabani KB, Sayedesmaeil H, Manoochehr T, Abdolkazem N. [Investigation of psychometric properties of core self-evaluations scale]. *Research in clinical psychology and counseling* 2011; 1(1): 99-118.
23. Armsden GC, Greenberg MT. The inventory of parent and peer attachment: Individual differences and their relationship to psychological well-being in adolescence. *J Youth Adolesc* 1987; 16: 427-57.
24. Jonathan PS. The relationship between attachment to parents and psychological separation in college students. American College Personnel Association; 2004.
25. Aquino K, Americus R. The self-importance of moral identity. *J Pers Soc Psychol* 2002; 83: 1423-40.
26. Ahadi B. [Relationship between loneliness and self-esteem with students' attachment styles]. *Psychological studies* 2009, 5(1): 95-112. (Persian)
27. Carlson C, Uppal S, Processer EC. Ethnic differences in processes contributing to the self-esteem of the early adolescents girls. *J Early Adolesc* 2000; 20: 44-67.
28. Pourostadi N. [The relationship between family affective environment, self concept, self esteem and socioeconomic status on the establishment of young individuals' identity] *Journal of Andisheh and Raftar* 2008; 3(9): 62-75. (Persian)